

شاخص‌های تربیت اقتصادی انسان مسلمان از دیدگاه آیات و روایات

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۱۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۰۹

کد مقاله: ۶۵۹۲۸

اسرارنجبر^۱

چکیده

جامعه اسلامی باید بر مبنای اهداف و اصول و شاخص‌های اقتصاد اسلامی گام بردارد از این رو تعیین شاخص‌های تربیتی در حوزه مطالعاتی و راهبردی اهمیت فراوانی دارد در این پژوهش شاخص‌های تربیتی انسان مسلمان با توجه به مبانی زیر ساختی آن مورد بررسی قرار می‌گیرد بر این اساس تربیت اقتصادی عبارت است از فعالیت‌های آموزشی به منظور بهره برداری صحیح از منابع موجود در حیطة تولید، توزیع و مصرف اقتصادی با در نظر گرفتن شریعت الهی است؛ و شاخص‌های تربیتی در حوزه اقتصادی شاخص‌هایی هستند که برای اقتصاد بهتر در سایه دین، انسان نیازمند آنها است، دین اسلام با توجه به جامعیت آن با ارائه برنامه کامل عرصه‌های تولید، توزیع و مصرف با هدف زندگی طیبه به معرفی نظام اقتصادی جامع که تامین کننده سعادت انسان در دنیا و آخرت می‌باشد زمینه ایجاد جامعه توسعه یافته و مرفه و در عین حال دور از اسراف و مصرف گرایی را فراهم می‌کند؛ با توجه به این فرضیه که اخلاق و تربیت از مولفه‌های پر رنگ و با ارزش اقتصاد اسلامی است رسالت این تحقیق آن است که با بررسی شاخص‌های تربیت اقتصادی انسان مسلمان از دیدگاه آیات و روایات در سه حوزه تولید، توزیع و مصرف و راهکارهای تحقق آن و آسیب شناسی این شاخص در این سه حوزه، این فرضیه را به اثبات برساند. بر همین اساس می‌توان گفت: شاخص‌های تربیت اقتصادی در حوزه تولید عبارتند از: توحیدباوری، وجدان کاری، انجام وظیفه عبادی، توکل، نگاه دینی و ارزشی به کار، تحکیم ارزشهای معنوی و اخلاقی، حمایت از تولیدکنندگان، تقوا در، تربیت انسانهای متعهد به ارزشهای اسلامی، مبارزه با انباشت ثروت و جلوگیری از فقر، تامین امنیت اقتصادی و ... در حوزه توزیع نیز اخلاق مداری، ایمان به رزاق بودن خداوند، الگوگیری از سیره معصومین ع، عدالت محوری، اعتدال و میانه روی، فقر زدایی به وسیله خمس و زکات، نیازسنجی در امر توزیع، شناخت راه تسهیل توزیع و ... و شاخص‌های اخلاقی و تربیتی در حوزه مصرف رعایت اقتصاد، رعایت کفاف، شناخت نیازهای واقعی، روحیه شکر گذاری، الگوگیری از سیره معصومین ع، نعمت نگری به مواد مصرفی خردمندی، اعتدال و ... مطرح می‌باشد.

واژگان کلیدی: شاخص، تربیت، اقتصاد، تولید، توزیع، مصرف

۱- مقدمه

هریک از مکاتب اقتصادی جهان، براساس برداشت خاصی که از مقوله خدا، انسان و جهان ارائه داده اند به تفسیر و تحلیل رفتارهای اقتصادی انسان پرداخته و ساختار نظام اقتصادی خویش را براین اساس بنیان نهاده اند. در این پژوهش سعی بر آن است تا با استفاده از آموزه های وحیانی به تبیین شاخص های تربیت اقتصادی انسان مسلمان با محوریت آیات و روایات در سه حوزه تولید، توزیع و مصرف تحلیل شود؛ با توجه به شواهد فراوان آیات و روایات می توان گفت که اصل توحید و عدل الهی در تربیت اقتصادی انسان، نقش بسیار مهم دارد و با پذیرش این اصل، بسیاری از فعالیت های اقتصادی او را تحت تاثیر قرار داده و رفتارهای اقتصادی او را در زمینه مبادله، تولید، توزیع و مصرف کنترل نموده و نظام اقتصادی مبتنی بر قسط و عدل را به وجود می آورد.

اگر در آیات قرآن کریم و روایات ائمه معصومین علیه السلام تامل و دقت شود به وضوح فهمیده می شود که اسلام نه تنها با مال و ثروت مخالف نیست، بلکه عنایت ویژه ای به مسائل اقتصادی و معیشتی دارد. از این رو تربیت اقتصادی و نگاه اصولی به معیشت در اسلام یکی از ساحت های مهم تربیت به شمار آمده و از الویت ویژه ای برخوردار است. در این مقاله ابتدا کلیات و مفهوم شناسی واژگان کلیدی مورد بررسی قرار گرفته است، در ادامه به بررسی جایگاه، آسیب شناسی و راهکارها و بایسته های تولید، توزیع و مصرف بر اساس آیات و روایات پرداخته شده است. اقتصاد از نظر معیشت و رفع نیازهای مادی، مهمترین عامل اثر گذار در زندگی بشر است از این رو امور اقتصادی، بخش عمده فعالیت های فرد، خانواده و جامعه است، مسئله ای که در این باب وجود دارد، توجه مردم به جنبه مادی آن است که بیشتر در صدد کسب در آمد مالی هستند نه رشد معنوی. اسلام به عنوان یگانه مکتب انسان ساز، به همه جنبه های زندگی فردی و اجتماعی انسان توجه دارد، زیرا اسلام هدف از آفرینش انسان را تکامل معنوی او می داند، و در عین حال، توجه خاصی به مسائل اقتصادی و مادی او دارد و در کنار توجه به آخرت به انسان یاد آوری می کند که نصیب دنیا را از دست ندهد؛ بنابراین خاستگاه اقتصاد اسلامی بر اساس و مبنای اخلاق و تربیت و پابندی به ارزشها است. در بینش اسلامی، انسان موجودی آگاه، صاحب اراده، هدفمند و مسولیت پذیر است در راستای چنین بینشی اعتقادهای یک مسلمان که برخاسته از جهان بینی توحیدی است نقش بسزایی در رفتارهای اقتصادی و فعالیت های تولیدی می یابد زیرا نه تنها در برابر خویش بلکه در برابر خدا و مخلوقات او نیز خود را مسئول و امانت دار می داند تحقق این موضوع زمینه ساز برپایی اقتصاد سالم اسلامی در عرصه اجتماعی و فردی است. چرا که اقتصاد اسلامی برخاسته از آموزه های وحیانی است و محور اساسی آن عدالت است؛ اسلام برای تحقق این هدف والا برنامه های خود را از درون روح و جان انسان آغاز می کند و با اولین اصل یعنی تربیت خود پرستی را به خدا پرستی مبدل می سازد.

یکی از مهمترین ابعاد زندگی انسان، بعد معیشتی و اقتصادی است ادیان الهی به خصوص دین اسلام بعد از مسائل توحید و مسائل عبادی، بیش از هر چیز به مسائل اقتصادی انسان توجه نموده است؛ اقتصاد اسلامی در راستای رسیدن به اهدافی همچون اقتدار اقتصادی، ایجاد رفاه عمومی و فقر زدایی و ایجاد امنیت هیچ گاه از چارچوب ارزشهای معنوی و اخلاقی خارج نمی شود براین اساس ارزشهای معنوی و اخلاقی در تمامی فعالیت های اقتصادی مد نظر اسلام است. بنابراین تحقق اهداف متعالی اسلام بدون توجه به مسائل اقتصادی امکان پذیر نیست. از طرفی در طی سال های اخیر، تنگناها و فشارهای اقتصادی، تهدیدها و فرصت هایی را برای وضع اقتصادی جامعه اسلامی ما ایجاد کرده است که برای رهایی از این تنگناها و نیل به اقتصاد آرمانی ضرورت توجه به آیات و روایات معصومین به عنوان دو منبع اصیل توحیدی و تربیتی بیش از پیش احساس می شود.

عمده ترین هدف این تحقیق، تدوین شاخص های تربیت اقتصادی انسان مسلمان از نظر آیات و روایات در جهت بهبود وضع معیشتی و اقتصادی و رسیدن به رشد مادی و معنوی، به منظور رسیدن به حیات طیبه است تا هم از انحراف های اجتماعی پیشگیری شود و هم به رفع مشکلاتی که از نظر اقتصادی در جامعه وجود دارد یاری رساند است طبیعی است که باید شاخص های تربیت اقتصادی انسان مسلمان در حوزه های مختلف تولید، توزیع و مصرف از متون دینی، یعنی قرآن و روایات استخراج شود. فایده و هدف از این پژوهش بیدار کردن خانواده ها از خواب غفلت است و اینکه همیشه هوشیار باشند و بیش از پیش مراقب فرزندان دلبندشان و البته خود باشند تا بازپچه ی دست عدو نگردند.

۲- روش تحقیق

هر پژوهشی نیازمند به کار گیری روش خاص در انجام فرایند تحقیق است و پژوهش گر باید پروژه مورد نظر را با روش مناسب آن سامان دهد از آنجایی که این موضوع، بیشتر به جنبه کیفی و دینی اقتصاد تکیه دارد لازم است با مطالعه اسناد و مدارک و با استفاده از روش تحلیلی توصیفی تحقیق و بررسی شود.

۳- مبانی نظری

۳-۱- تربیت

واژه تربیت به معنای پروراندن، پرورش دادن، پرورش، آدای و اخلاق را به کسی آموختن است. واژه تربیت در فرهنگ های لغت چند ریشه دارد:

- رَبًّا، يَرْبُوا: به معنی زیادت یعنی زیاد شد.
 - رَبًّا، يَرْبِي: به معنای رشد و تکامل.
 - رَبٌّ، يَرْبُوا: ایجاد چیزی مرحله به مرحله، رَبُّوا یعنی او را تربیت کرد، در اصل مصدر و جز برای خداوند به صورت مطلق به کسی اطلاق نمی شود.
 - رَبٌّ، تَرْبِيَّتًا: آن کار را اصلاح و درست کرد رب به معنای مربی از اسماء حسنی خدا است و مقام ربوبیت خدا را روشن می کند یعنی وقتی که در وصف خدا گفته شود رب العالمین مراد پرورش دادن و تربیت کردن تمام موجودات است. بنابراین تربیت در لغت دارای معانی پرورش، زیادت، رشد و اصلاح و درست کردن کارها است.
- تربیت در اصلاح، انتخاب رفتار و گفتار مناسب، ایجاد و شرایط و عوامل لازم و کمک به شخص مورد تربیت تا بتواند استعدادهای نهفته اش را در تمام ابعاد وجود و به طور هماهنگ پرورش داده، شکوفا سازد و به تدریج به سوی هدف و کمال مطلوب حرکت کند.

۳-۲- اقتصاد

به معنای میانجی شدن، میانه نگه داشتن، به اندازه خرج کردن است. واژه اقتصاد در زبان عربی از ریشه قَ صَ دَ است وَالْقَصْدُ فِي الْأُمُورِ مَا بَيْنَ الْإِفْرَاطِ وَالْتَفْرِيطِ: به معنای میانه روی در افراط و تفریط است. واژه اقتصاد در زبان عربی از ریشه قَ صَ دَ به معنای میانه روی است آیات قرآن شاهد همین استعمال است:

فَلَمَّا نَجَّاهُمْ إِلَى الْبَرِّ فَمِنْهُمْ مُقْتَصِدٌ ... چون نجاتشان داد و به خشکی رساند برخی از آنان میانه‌رو هستند مِنْهُمْ أُمَّةٌ مُّقْتَصِدَةٌ ... از میان آنان گروهی میانه‌رو هستند.

بنابراین اقتصاد، علم مربوط به بررسی چگونگی تولید، توزیع و مصرف کالاها و علم مربوط به بررسی نتایج این گونه فعالیت‌ها است. اقتصاد بهره‌گیری از روش‌ها و ابزارهایی است که با صرف کم‌ترین هزینه، بیشترین بازدهی در تولید، توزیع و مصرف به دست آید.

امام خمینی (ره) در تعریف اقتصاد اسلامی می‌فرماید: «باید نظام اقتصادی اسلام را از مجموعه قوانین و مقررات اسلامی در کلیه زمینه‌ها و شئون فردی و اجتماعی ملاحظه کرد. این مسلم است که از نظر اسلامی، حل تمامی مشکلات و پیچیدگی‌ها در زندگی انسان‌ها با تنظیم روابط اقتصادی به شکل خاص نمی‌شود و نخواهد شد بلکه مشکلات را در کل یک نظام اسلامی باید حل کرد و از معنویت نباید غافل بود که کلید دردها است.»

شهید صدر نیز معتقد است که مقصود از اقتصاد اسلامی در حقیقت ایجاد اسلوبی جهت تنظیم فعالیت‌های اقتصادی و برقرار نمودن تنگنای معیشتی مردم، منطبق با ایده عدالت است. بنابراین اقتصاد اسلامی دانشی است که براساس انسان‌شناسی اسلامی و مفاهیم بنیادی اقتصادی در این دین مقدس، به تحلیل رفتارهای اقتصادی انسان، آن گونه که هست می‌پردازد.

۳-۳- تربیت اقتصادی

تربیت اقتصادی از دیدگاه اسلام عبارت است از ایجاد آمادگی لازم در مرتبه‌ی به نحوی که ضمن شناختن استعداد اقتصادی خود، بتواند آن را به بهترین وجه شکوفا کند و با اتخاذ میانه روی موجود به نحوی بهره‌برداری کند که ممکن و میسر باشد و در طریق تولید، توزیع و مصرف، شریعت الهی را در نظر داشته باشد و همه این فعالیت‌ها را در جهت قرب خداوند و کسب رضای او انجام رساند.

۳-۴- شاخص

در لغت: برآمده، مرتفع، برجسته و ممتاز، نمودار، الگو، سرمشق، عددی که میانگین ارزش مجموعه‌ای از اقلام مرتبط با یکدیگر را بر حسب درصدی از همان میانگین بیان می‌کند. فرد ممتاز، نماینده، مشخص کننده وقت نماز. کلمه شاخص علامت یا مقیاسی است که روابط موجود میان دو یا چند متغیر (کمی - کیفی) را در زمان مشخص به صورت ارزشی بیان می‌کند. کلمه شاخص در کل به معنای نمودار یا نشان دهنده یا نماینده چند متغیر ممکن است و وسیله‌ای برای اندازه‌گیری و مقایسه پدیده‌هایی است که دارای ماهیت و خاصیت مشخصی هستند که بر مبنای آن می‌توان تغییرات ایجاد شده در متغیرهای معین را بررسی نمود.

۴- بحث

۴-۱- راهکارهای تحقق تولید اسلامی

توحید در اندیشه اسلامی به عنوان اساسی‌ترین مبانی فکری و معرفتی حوزه اعتقادی، محور همه نظام هستی است. از این نظر، هرچه در این جهان مشاهده می‌شود، بر محور توحید در حرکت و فعالیت است.

خداوند در این باره می فرماید: «وَأُولَٰئِكَ أَهْلُ الْفُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقُوا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالأَرْضِ» برکات به معنای هر چیز کثیر از قبیل امنیت، آسایش، سلامتی، مال است. صاحب تفسیر نمونه می گوید معنای آیه این است که اگر مردمی که در آبادیها و نقاط دیگر زمین زندگی داشته و دارند، به جای طغیان و سرکشی و ظلم و فساد، ایمان آورند و در پرتوی آن پرهیزکاری پیشه می کردند درهای برکات آسمان و زمین بر روی آنها گشوده می شد.

از این آیه، نقش باورهای دینی و به ویژه توحید باوری در امور اقتصادی به خوبی، روشن و چنین استفاده می شود که ایمان به عقاید اسلامی افزون بر آن که پاداش اخروی کار را افزایش می دهد، در دنیا نیز سبب افزایش رزق و روزی می شود. چرا که خداوند به صراحت بیان می دارد که اگر اهل کشورها، شهرها و روستاها، همه به خدا ایمان آورند و تقوای عمل پیشه سازند، از زمین و آسمان، خیر و برکت بر آنها سرازیر می شود، در هر صورت، توحید باوری در تولید اقتصادی، نقش اساسی دارد و فعالان این عرصه باید با اعتقاد کامل به مبانی دینی و اسلامی و پایبندی به ارزشهای اخلاقی، به فعالیت فنی و حرفه ای در زمینه تولید بپردازند.

۴-۲- وجدان کاری در حیطه تولید

وجدان کاری به معنای گرایش به انجام دادن صحیح کار و وظایف شغلی، بدون نظارت مستقیم است که از نشانه های آن، انجام کار بیشتر و بهتر، کنترل درونی و مسئولیت پذیری است. بهره مند بودن از وجدان کاری، به فعالیت های اجتماعی ارزش و اعتبار ویژه ای می بخشد اما کسانی که در زندگی همواره کاهلی و کم کاری می کنند، آسیب های جبران ناپذیری به خود و اقتصاد وارد می سازند و چرخه کار جمعی را از حرکت می اندازند. در سیره امامان معصوم علیه السلام توصیه های بسیاری برای پرهیز از کم کاری وجود دارد.

امام علی علیه السلام به خیاطی که کم کاری می کرد فرمودند: «يَا خِيَاطُ، تَكَلَّتْكَ التَّوَاكُلُ، صَلَّبَ الْخِيُوطُ، وَدَقَّقَ الدُّرُوزُ، وَ قَارِبَ الْغَرَزُ، فَاِنِّي سَمِعْتُ رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُوْلُ: يَحْشُرُ اللّٰهُ الْخِيَاطَ الْخَائِنُوْ عَلَيْهِ قَمِيصٌ وَ رِدَاءٌ مَّا خَاطَ وَ خَانَ فِيْهِ، وَاحْذَرُوْا السُّطُوْطَاتِ، فَاِنَّ صَاحِبَ الثُّوبِ اَحَقُّ، وَ لَا تَتَّخِذْ بِهَا الْاِيَادِي تَطْلُبُ الْمُكَافَاةَ.» ایمان به خدا و رعایت پرهیز کاری و عمل به دستورهای الهی، افزون بر کمک برای رسیدن به سعادت ابدی، سبب افزونی نعمت ها و برکات دنیوی می شود.

اسلام به مسائل اقتصادی رنگ عبادی و معنوی می بخشد و از انسان می خواهد، تلاشهای او با انگیزه الهی انجام می گیرد؛ از این رو، در بسیاری از مسائل اقتصادی، قصد قربت اعتبار دارد. مثلاً احکامی مانند زکات، خمس و دیگر واجبات و مستحبات اقتصادی، قصد قربت شرط است؛ زیرا در اسلام مال و کار، وسیله تقرب به خدا است.

خداوند در قرآن می فرماید: «وَمِنَ الْأَعْرَابِ مَنْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَ يَتَّخِذُ مَا يَنْفَقُ بَاتٍ عِنْدَ اللَّهِ وَ صَلَوَاتِ الرَّسُولِ أَلَّا يَنْهَا قُرْبَهُ لَهُمْ سَيُدْخِلُهُمُ اللَّهُ فِي رَحْمَتِهِ» کلمه قربه در آیه یعنی این نفقه و بخشش، آنها را به خدا نزدیک می کند. به همین دلیل، هیچ گاه انفاق در راه خدا را غرامت و زیان نمی دانند، بلکه با توجه به پاداش های وسیع الهی در این جهان و سرای دیگر، این کار را وسیله نزدیکی به خدا می دانند.

بنابراین، در اسلام، سیاست اقتصادی و مالی، از مسائل عبادی و معنوی جدا نیست. انجام فرایض دینی و عبادات و به طور کلی پرداختن به امور معنوی، نیازمند داشتن جسمی سالم و توانا و امکانات مناسب زندگی است، افزون بر آن، انجام عباداتی همچون حج و انفاق به دیگران، متوقف بر توانایی مالی بیشتر است. از سوی دیگر، مطابق آموزه های دینی، فقر مالی می تواند عامل فقر معنوی، تزلزل عقیدتی و در نهایت سبب سقوط اخلاقی باشد، از این رو یکی از متعالی ترین انگیزه های مسلمان در زمینه کار و تولید، بستر سازی مناسب برای رشد معنوی و انجام عبادات است.

در روایتی از رسول خدا صل الله علیه و آله آمده است: «اللَّهُمَّ بَارِكْ لَنَا فِي الْخَبْرِ، وَ لَا تَفْرُقْ بَيْنَنَا وَ بَيْنَهُ، فَلَوْلَا الْخَبْرُ مَا صَلَّيْنَا وَ لَا صُمْنَا، وَ لَا أَدِينَا فَرَاغُ رَبَّنَا»

۴-۳- نگاه دینی و ارزشی به کار

کار یکی از مولفه های مهم اثر گذار در فرایند تولید است؛ به گونه ای که بدون نیروی کار، چرخه تولید به سامان نمی رسد. در حقیقت، کار موتور محرک چرخه تولید است و هر محصولی که از کارخانه ها و کارگاهها بیرون می آید، فراورده کار است. کار در فراین تولید با نگاه دینی عبارت است از هر گونه فعلیتی که برای تولید کالا و خدمات مورد نیاز یا بالا بردن سطح اقتدار جامعه و رفاه عمومی در چارچوب قوانین و ارزشهای دین انجام می پذیرد. کار در متون دینی از ارزش خاصی برخوردار است و اگر انگیزه و هدف آن خدایی باشد، عامل تقرب انسان به خدا شمرده می شود؛ ایمان سبب انگیزه خدایی می شود قرآن کریم، هر جا سخن از کار به میان آورده، از شایستگی و صالح بودن آن نیز یاد کرده است.

«مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ وَ عَمِلَ صَالِحًا فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ لَا هُمْ يَحْزَنُونَ» واژه عمل به هر فعلیتی اشاره دارد که از انسان سر می زند، خواه کار فیزیکی یا فکری باشد و در حوزه ای مانند اقتصاد، سیاست و امثال آن انجام می گیرد. اگر آن فعالیت با نیت خدایی و هدف الهی بود، ارزشمند است، نتیجه چنین کاری، رفاه و آسایش در دنیا و آخرت است و خوف و اندوهی برای انجام دهنده آن به همراه ندارد. این آیه بیان می کند که آنچه در نزد خدا اهمیت دارد عقیده درست و عمل شایسته است.

روایات در زمینه ارزشمند بودن کار، بسیار است و بر فضیلت تلاش برای تامین نفقه عائله دلالت دارد. پیامبر اکرم صل الله علیه و آله فرمودند: «مَنْ أَكَلَ مِنْ كَدِّ يَدِهِ حَلَالًا، فَتُجَّحَ لَهُ أَبْوَابُ الْجَنَّةِ يَدْخُلُ مِنْ أَيِّهَا شَاءَ» «مَا مِنْ مُسْلِمٍ يَغْرَسُ غَرْسًا أَوْ يَزْرَعُ زَرْعًا فَيَأْكُلُ مِنْهُ نَسْنَأًا وَ طَيْرًا وَ بَهِيمَةً إِلَّا كَانَتْ لَهُ بِهِ صَدَقَةٌ» از این سخنان به دست می آید که نگاه دینی به کار از شاخصهای مهم تربیتی در عرصه اقتصاد است؛ این نگرش به کار از یک سو انگیزه نیروی کار را افزایش می دهد و از سوی دیگر ثواب و پاداش اخروی در پی دارد.

افراد مومن و اهل تقوا که هدف اصلی آنها رسیدن به کمالات معنوی است، هم با انگیزه خدایی به زندگی سرو سامان می دهند و هم به پاداش الهی می رسند. تولید کنندگان عرصه اقتصاد باید همواره با دید دینی و ارزشی به کار بنگرند و به فعالیت های اقتصادی خود رنگ و بوی دینی و خدایی بدهند.

۴-۴- لزوم حمایت دولت از تولیدکنندگان

در نگاه دینی، حمایت حکومت از تولید کننده گان نقش سازنده ای دارد. در نامه امام علی علیه السلام به مالک اشتر، این حمایتگری به خوبی نمایان است. امام آن گاه که مالک را به کارگزاری مصر گماشت برایش نوشت: «ثُمَّ اسْتَوْصِ بِالْتُّجَّارِ وَ دَوَى الصَّنَاعَاتِ، وَ أَوْصِ بِهِمْ خَيْرًا، الْمُقِيمِ مِنْهُمْ، وَ الْمُضْطَرِبِ بِمَالِهِ، وَ الْمُتَرَفِّقِ بِبِدْنِهِ، فَاتَّهَمُوا مَوَادَّ الْمَنَافِعِ، وَ أَسَابِغُ الْمَرَافِقِ» آن حضرت، از حمایت به عنوان یک اصل حکومتی یاد می کند و هر نوع کم کاری مسئولان در حمایت از مردم را نکوهش می فرماید: «أَفَهَ الْمَلِكُ ضَعْفُ الْجَمَاعَةِ»

۴-۵- تقوا در مصرف

تقوا از وَ قَى آست؛ الْوَقَايَه به معنای نگه داشتن و حفظ کردن چیزی از آنچه او را اذیت و ضرر می رساند، وَ التَّقْوَى یعنی حفظ نفس از آنچه مورد ترس است. یعنی خود محفوظ داشتن و و پرهیز کردن. خداوند روزی مردم را از حلال معین کرده است، هر کس به حرام روی آورد از سهم حلال او کم خواهد شد... تلاش اقتصادی برای جلب روزی از همان آغاز بایستی با نام و یاد خدا همراه باشد. چنان که قرآن توصیه می کند: «فَكُلُوا مِمَّا ذُكِرَ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ إِنَّ كُنْتُمْ بِآيَاتِهِ مُؤْمِنِينَ» بنابراین در بینش اقتصادی اسلام هم شیوه ی کسب و درآمد مهم است و هم روش مصرف از آن بایستی به همراه تقوای مصرف باشد آنجا که خداوند فرمود: «وَكُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ حَلَالًا طَيِّبًا وَ اتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي أَنْتُمْ بِهِ مُؤْمِنُونَ» بر این اساس توجه و مراعات آداب مصرف بواسطه پروا و خود نگرنداری از موارد مهم در اقتصاد اسلامی است که تعبیر به تقوای مصرف می شود.

۴-۶- تحقق عدالت اقتصادی به ویژه عدالت تولیدی

«العدل وَهُوَ ضِدُّ الْجَوْرِ» عدالت در لغت به معنای داد کردن، دادگری و انصاف داشتن و برابری است. راغب می گوید: «الْعَدَالَةُ وَ الْمَعَادَلَةُ» لفظی است مقتضی مساوات، و به اعتبار نزدیک بودن به هم به جای آن به کار می رود. عدالت اقتصادی از دیدگاه اسلام به وضعیتی می گویند که هر یک از افراد جامعه به حق خود از ثروت و درآمد های جامعه دست یافته باشند. وظیفه دولت اسلامی، تحقق آرمانهای اسلام در جامعه و اداره امور اجتماعی براساس معیارهای اسلامی است. در حوزه اقتصاد، دولت مسئول اصلی اجرای نظام اقتصادی اسلام و عینیت بخشیدن به آن در خارج است.

این به معنای سلب مسئولیت از مردم نیست، بلکه جامعه اسلامی مکلف است از ارزشهای اسلامی، پاسداری کند.

امام علی علیه السلام در مورد لزوم رعایت عدالت اقتصادی توسط دولت، در نامه ای به یکی از سردارانش می فرماید: «فَإِنَّ الْوَالِيَّ إِذَا اِخْتَلَفَ هَوَاهُ مَعَهُ ذَلِكَ كَثِيرًا مِنْ الْعَدْلِ. فَلْيَكُنْ أَمْرُ النَّاسِ عِنْدَكَ فِي الْحَقِّ سَوَاءً، فَإِنَّهُ لَيْسَ فِي الْجَوْرِ عَوَضٌ مِنَ الْعَدْلِ»

وظیفه اصلی دولت در صحنه اقتصاد، تحقق اهداف اقتصادی اسلامی، یعنی عدالت اقتصادی و قدرت اقتصادی است چرا که که آرمانهای نظام اقتصادی اسلام در اهداف آن متجلی است. اختلاف در ثروت و درآمد ها تا آنجا که از میزان استعداد، تلاش و فعالیت ها ناشی می شود، امری طبیعی و مطلوب است، اما به شرط این که مواهب الهی و امکانات جامعه در اختیار همه طبقات جامعه قرار گیرد. از این رو گروه خاصی اجازه ندارد به بهانه موقعیت های اقتصادی امکانات عمومی جامعه مسلمانان را به نفع خود به کار برد قرآن همه نعمت های خداوند را متعلق به عموم انسانها می داند و خداوند را ناظر بر آنها معرفی می کند.

«هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا ثُمَّ اسْتَوَى إِلَى السَّمَاءِ فَسَوَّاهُنَّ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ وَ هُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ»

از موارد عدالت تولیدی سالم سازی درآمدها است؛ خداوند در قرآن، در آمد های مشکوک و حرام را که از روابط ناسالم اقتصادی به دست می آید مذموم شمرده و مسبب آثار مخرب بسیاری در جامعه دانسته است.

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِّنْكُمْ»

ثروت های باد آورده ناشی از روابط ناسالم اقتصادی سبب می شود افراد از امکاناتی که شایستگی احقاق آنها را نداشته باشند، استفاده کنند و به این وسیله اموال بیت المال تضييع شود. بنابراین لازم است که دولت و دستگاه قضایی با همت و تیز هوشی در جهت ایجاد عدالت تولیدی و و تقویت روحیه معنوی مردم و تفهیم آثار دنیوی و اخروی مخرب درآمدهای حرام بکوشند.

بنابراین، برای رسیدن به عدالت اقتصادی، باید اولاً رفاه عمومی در جامعه تامین شود ثانیاً ثروت ها تعدیل شود

۴-۷- تربیت انسانهای متعهد به ارزشهای اسلامی در حوزه تولید

بدون تردید، اصلی ترین عناصر هر اقتصادی کار، سرمایه و تولید است، به گونه ای که رونق کار و اشتغالزایی و افزایش سرمایه گذاری و جذب سرمایه و توسعه و تولید، از شاخص های مهم پیشرفت فعالیت های اقتصادی هر جامعه ای به شمار می آید. دولت از راه توسعه مراکز آموزشی در سطوح مختلف باید مشکل پایین بودن سطح دانش و نبود نیروی انسانی ماهر و متخصص را برطرف سازد. در آموزه های دینی، ضمن این که به ضرورت دانش افزایی و تربیت انسانهای دانشمند و توانا تاکید فراوان شده است و از آموزش و یادگیری به عنوان فریضه و تکلیف همگانی یاد می شود.

پیامبر اکرم صل الله علیه و آله فرمودند: «طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ» طلب علم بر هر مسلمانی واجب است. باوجود این، پرداختن به این امر، یکی از وظایف مهم دولت به شمار آمده است.

امیرمؤمنان، علی(علیه السلام) توسعه آموزش را از جمله وظایف خود به شمار می آورد و می فرماید: «أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ لِي عَلَيْكُمْ حَقًّا وَلَكُمْ عَلَيَّ حَقٌّ فَأَمَّا حَقُّكُمْ عَلَيَّ فَالْتَّصِيحَةُ لَكُمْ وَ تَوْفِيرُ فَيْئِكُمْ عَلَيَّكُمْ وَ تَعْلِيمُكُمْ كَيْلَا تَجْهَلُوا وَ تَادِيَةُكُمْ كَيْمًا تَعْلَمُوا» براساس آنچه که بیان شد دولت اسلامی برای دست یابی به توسعه و پیشرفت اقتصادی، نخست باید به توسعه فرهنگ و ارزشهای اسلامی یه ویژه فرهنگ اقتصادی بپردازد، یعنی مردم را با احکام و مقرراتی آشنا سازد که خداوند کریم و حضرات معصومین علیه السلام درباره کار و سرمایه و تولید بیان کرده اند.

۴-۸- تأمین امنیت اقتصادی

یکی از وظایف دولت در زمینه رشد و توسعه اقتصادی به ویژه در حوزه تولید برقراری نظم و امنیت اقتصادی است؛ نبود امنیت، شرایط و فضای را در جامعه ایجاد می کند که همه فعالیت های اقتصادی از رونق می افتد و زمینه های اشتغال یکی پس از دیگری از بین می رود، زیرا برنامه های عمرانی تنها در سایه آرامش و حاکمیت قانون و ثبات و امنیت، قابل اجرا و پیگیری است، با نبود امنیت، این برنامه ها کنار گذاشته می شود و با کنار رفتن برنامه ها، بسترهای ایجاد شغل و کار نابود می شود. از طرفی نبود امنیت، جذب سرمایه را ناممکن می سازد؛ بدیهی است با از بین رفتن زمینه های کار و انباشت سرمایه، دیگر جایی برای صحبت از تولید نمی ماند چه بسا در چنین وضعیتی سرمایه های انسانی بیکار، به سمت شغل های غیر اقتصادی و غیر تولیدی کشیده شود. روح ابتکار و خلاقیت به تدریج نابود می گردد، و این وضع در نهایت به ایجاد و گسترش تورم و گرانی می انجامد. بنابراین، وقتی دولت مصمم شد برنامه های مربوط به توسعه و پیشرفت اقتصادی اجرا کند، پیش از آن ضرورت دارد به موضوع نظم و امنیت و آسیب های ناشی از نبود آن در عرصه های اجتماعی به ویژه در حوزه اقتصاد توجه کند. در آموزه های اسلامی به صورتهای مختلف به اهمیت امنیت و آسیب های ناشی از نبود آن تاکید و تصریح شده است.

پیامبر اکرم صل الله علیه و آله فرمودند: «لَا خَيْرَ فِي الْوَطَنِ إِلَّا مَعَ الْأَمَنِ»

امام علی علیه السلام در تشریح فلسفه تکسیل حکومت، از برقراری امنیت یاد می کند و می فرماید: «وَ أَنَّهُ لَا بُدَّ لِلنَّاسِ مِنْ أَمِيرٍ بَرٍّ أَوْ فَاجِرٍ ... وَ يَجْمَعُ بِهِ الْفِيءَ، وَ يَقَاتُ بِهِ الْعَدُوَّ وَ تَأْمِنُ بِهِ السُّبُلُ وَ يُؤَخَذُ بِهِ لِلضَّعِيفِ مِنَ الْقَوَى حَتَّى يَسْتَرِيحَ بَرٌّ وَ يَسْتَرَحَ مِنَ الْفَاجِرِ» بدون برقراری امنیت به ویژه امنیت اقتصادی، امکان رونق و پیشرفت در عرصه های اقتصادی وجود ندارد، از این رو حکومت اسلامی مسئولیت دارد با راهکارهای مناسب، نظم و امنیت اقتصادی را برای جامعه فراهم سازد تا عوامل اقتصادی، اعم از کارگر و صاحب سرمایه و تولیدیه با اشتیاق فراوان وارد میدان تولید شوند.

۴-۹- نظارت و کنترل دقیق دولت بر فعالیت تولید کننده

اصل اولی در فعالیت های اقتصادی از دیدگاه اسلام آزادی است و هر کس حق دارد در چارچوب احکام و قوانین شریعت، آزادانه به فعالیت بپردازد و دولت حق ندارد جلو آزادی های مشروع قانونی افراد را بگیرد. اما بعضی در اثر زیاده خواهی و فرد گرایی افراطی از عمل به دستورهای اسلام تخلف کرده، ضررهای فردی و اجتماعی به بار می آورد. در چنین وضعی دولت حق دارد متخلفان را مجازات کند.

امام علی علیه السلام در نامه معروف خود به مالک اشتر پس از سفارش درباره بازرگانان و پیشه وران و این که آنان افراد سودمند و زحمت کشی هستند می فرماید: «وَاعْلَمَ مَعَ ذَلِكَ أَنَّ فِي كَثِيرٍ مِنْهُمْ ضَيْقًا فَاحْشَأْ وَ شُحًّا قَبِيحًا وَ احْتِكَارًا لِلْمَنَافِعِ وَ تَحَكُّمًا فِي الْبِيَاعَاتِ وَ ذَلِكَ بَابٌ مَضْرُوبٌ لِلْعَامَةِ وَعَيْبُ الْوَالِدِ. فَامْنَعْ مِنَ الْاحْتِكَارِ فَاتْرَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله مَنَّعَ مِنْهُ. وَلَيْكِنَ الْبَيْعَ بِيَعًا سَمَحًا بِمَوَازِينِ عَدْلٍ وَ أَسْعَارٍ لَا تُجْحَفُ بِالْفَرِيقَيْنِ مِنَ الْبَائِعِ وَ الْمُبْتَاعِ. فَمَنْ قَارَبَ حُكْرَةً بَعْدَ نَهْيِكَ آيَاهُ فَانْكَرْ بِهِ وَ عَاقِبِهِ فِي غَيْرِ اسْرَافٍ» آموزه های دینی ما سرشار از توصیه ها و سفارشات زیبا درباره درست مصرف کردن و پرهیز از اسراف است. اسلام دین اعتدال و میانه روی است، از طرفی امر به اصلاح مال و صرف آن در مصارف شخصی در حد کفاف و شئون افراد کرده و از طرف دیگر رفتارهای ناپهتجار اسراف، تبذیر، ثروت اندوزی بخل و ... برحذر داشته است، در این گفتار راهکارها و بایسته های تحقق مصرف اسلامی بیان می گردد.

۵- راهکارها و بایسته های تحقق مصرف اسلامی

۵-۱- رعایت قناعت

فرهنگ های لغت در مورد معنای قناعت نوشته اند: «وَالْقَنَاعَةُ، بِالْفَتْحِ: الرِّضَا بِالْقِسْمِ» (راضی بودن به قسمت) «قَنَعَ، قَنَاءً، قَنَاعَةً» (به حصه و قسمت خود رضایت داد). «القانع هو الذي يَقْنَعُ بِالْقَلِيلِ» (راضی بودن به قلیل و کم) قَنَعَ يَقْنَعُ که مصدر آن قَنَاعَةٌ و قَنَعَانٌ به معنی رضا و خشنودی است، و اکتفا کردن به مقدار نیاز را گویند که اصل این کلمه از قناع بوده که به چیزی گفته می شود که سر را با آن می پوشانند و مقنعه خانمها هم از این کلمه گرفته شده، از آنجا که شخص قانع فقر خود را می پوشاند به وی قانع گفته می شود. قناعت از نظر عالمان اخلاق، ضد صفت حرص و طمع ورزی، حالت و ملکه ای نفسانی است که وجود آن در آدمی، عامل اکتفا کردن و رضایت دادن فرد به قدر نیاز و ضرورت از زندگی است. روحیه قناعت سبب می شود انسان در استفاده از دارایی و امکانات به حد رفع نیاز خویش بسنده کند و خود را برای تحصیل بیشتر مادیات به زحمت و مشقت نیندازد.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: «جاء جبرئیل: ... قلت: وما تفسیر القناعة؟ قال: یقنع بما یصیب من الدنیا، یقنع بالقلیل ویشکر البسیر» قناعت صفتی است که خداوند همه بندگان خود را به نوعی با آن مورد آزمایش می کند، قانع بودن به آنچه که خداوند روزی انسان کرده نوعی تسلیم است.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: «القناعة مالٌ لا یفقد» در تفسیر میزان ذیل آیه «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْتَى وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَیَاةً طَیِّبَةً» آمده است که بعضی از مفسرین گفته اند منظور از حَیَاةً طَیِّبَةً همان قناعت است این مفهوم عظیمی است که حیات طیبه قناعت دانسته شود یعنی کسی که قناعت داشته باشد هر چیزی را که برای یک زندگی پاک و طیب نیاز دارد دارا می شود زیرا قناعت مانع حرص و طمع و دنیا پرستی و اسراف و... می شود. بنابراین از راههای جلوگیری از اسراف قناعت است و اساساً با اسراف در تضاد است زیرا اسراف زیاده خواهی است.

۵-۲- رعایت اقتصاد

همان طور که در فصل اول بیان شد: القصد همان مستقیم شدن راه و کلمه اقتصاد میانه روی است و میانه روی دو نوع است یکی مطلقاً پسندیده است مثلاً بخشش که بین افراط و تفریط قرار دارد. و دیگری میانه روی بین عدل و جور، قریب و بعید. در المنجد نیز گفته شده «توسط بین الافراط و التقتیر» (حد وسط بین زیاده روی و کوتاهی)؛ خداوند کلمه اقتصاد را به معنای میانه روی و تعادل در قرآن به کار می برد: «وَأَقْصِدْ فِي مَشْيِكَ»

کلمه قصد در هر چیز به معنای حد اعتدال در آن است در این امر به رعایت اقتصاد و اعتدال در عمل و سخن شده است امام صادق علیه السلام می فرماید: «إِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِأَهْلِ بَيْتٍ خَيْرًا رَزَقَهُمُ الرِّقْقَ فِي الْمَعِيشَةِ» پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز می فرماید: «الاعتقاد بین الاسراف و التقتیر: اقتصاد بین اسراف و تقتیر است.» نکته مهم در این روایت این است که راه نجات از اسراف و تقتیر رعایت اقتصاد است بنابراین تمسک به اقتصاد در اداره زندگی و جلوگیری از اسراف تاثیر بسیار مهمی دارد.

۵-۳- رعایت کفاف

کف در اصل به معنای منع است. در لغت به معنای آنچه باعث بی نیازی از مردم می شود و به اندازه های که انسان به آن نیاز دارد نه کمتر و نه بیشتر. فرهنگ عمید می گوید: کفاف آن مقدار روزی و خوراک که انسان را بس باشد گویند، آنچه به مقدار حاجت باشد نه کم نه زیاد.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: «طُوبَى لِمَنْ رَزَقَهُ الْكِفَافَ وَ صَبِرَ عَلَيْهِ» امام علی علیه السلام می فرماید: «حَسَنُ التَّدْبِيرِ مَعَ الْكِفَافِ أَكْفَى لَكَ مِنَ الْكَثِيرِ مَعَ الْإِسْرَافِ» در این روایت امام کفاف را در مقابل اسراف به کار برده است و این یعنی این که کفاف می تواند به عنوان یکی از راههای مبارزه با اسراف مورد بررسی قرار گیرد. پس شکی نیست که کفاف هم برای دنیا و هم برای آخرت مومن بهتر است. امام علی علیه السلام در خطبه های خود می فرماید: «لَا تَسْأَلُوا فِيهَا فَوْقَ الْكِفَافِ» علت این فرموده امام واضح است چراکه وقتی انسان بیش از کفاف و نیاز خود بخواد به دامان زیاده روی و اسراف کشیده می شود. بنابراین برای مصون ماندن از اسراف و چه بسا اکثر گناهان باید به اندازه کفاف از خداوند درخواست کرد و انسان به اندازه کفاف مال جمع کند تا گرفتار عوارض زیادی مال نشود.

۵-۴- شناخت نیازهای واقعی مصرف

انسان در زندگی نیازهای گوناگونی دارد آنچه مهم به نظر می رسد، آن است که نیازهای مادی و معنوی در ارتباط با هدف نهایی از زندگی باید تعیین شود تا انسان را به آن هدف اصلی برسانند که از منظر قرآن، قرب الهی است. از نظر قرآن و اقتصاد اسلامی، تأمین هر گونه نیاز لزومی ندارد. چراکه انسان را در شمار مترفین، مسرفین و نظیر آن قرار می دهد. عامل اصلی مصرف کالا، نیازهای

فردی، خانوادگی و اجتماعی انسان است که او را به تهیه مواد مصرفی وادار می سازد. این نیازها باید واقعی و ناشی از ضرورت فیزیولوژیکی یا فرهنگی و اجتماعی باشد. توجه نکردن به این ضرورت ممکن است به فعالیت جسمانی یا موقعیت خانوادگی و اجتماعی فرد آسیب بزند.

نیازهای غیرواقعی، گاه ناشی از تخیل ذهنی است. گاهی هم ناشی از هوای نفس است؛ چرا که نفس همواره به سقوط اخلاقی فرمان می دهد: «وَمَا أُبْرِي نَفْسِي إِلَّا النَّفْسَ لَأَمَّارَهُ بِالسُّوءِ» در باب مصرف اقتصادی نیز این خواسته نفس وجود دارد و از آدمی می خواهد هرچه بیشتر به جمع آوری مادیات و ذخیره سازی آن بپردازد. اینجاست که بحث مصرف کاذب و غیرواقعی پیش می آید. گاهی، احساس نیاز ناشی از تبلیغات است که از طریق رسانه ها، مطبوعات، خویشاوندان و همسایه ها صورت می گیرد و خانواده ها را تحت تأثیر قرار می دهد و به خرید کالاهای غیرضروری وادار می کند. خداوند در قرآن کریم، آدمی را به تأمین نیازهای واقعی دعوت می کند. خداوند ضمن دعوت به استفاده از نعمت ها، از افساد و افراط در بهره گیری از مادیات منع می کند. «كُلُوا وَ اشْرَبُوا مِنْ رِزْقِ اللَّهِ وَ لَا تَعْتُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ» لَا تَعْتُوا از ماده عثی به معنی فساد شدید است و بیشتر به مفاسد حسی اطلاق می شود.

خوردن و آشامیدن در این آیه، به صورت مطلق آمده است و شامل هر نوع تصرف مالی می شود. امام سجاد علیه السلام نیز در دعایی از خداوند درخواست می کند که او را از اسراف و ورود در وادی نیازهای کاذب در امان دارد: «واحجینی عن السرف و الازديا» بر این اساس، شناخت نیازهای واقعی و تشخیص آن از نیازهای کاذب و هواهای نفسانی، از شاخص های مهم تربیتی در امور اقتصادی است. اگر جامعه با این نگرش، به اقتصاد بنگرد و به نیازشناسی و تنها به ضرورت های زندگی در حد اعتدال توجه داشته باشد، بسیاری از مشکلات و کمبودهای اقتصادی برطرف می شود. این امر به عزم دینی نیاز دارد که همه مردم به صورت جهادگرایانه با برنامه شخصی و خانوادگی، به تعیین نیازهای واقعی بپردازند.

۵-۵- نعمت نگری به مواد مصرفی

نعمت نگری به امکانات طبیعی یعنی اینکه هر چیزی را می خواهد مصرف کند، بر این باور باشد که آن نعمت الهی است؛ نعمتی که خدا برای رفع نیاز و تأمین رفاه و آسایش بندگان آفریده است. خداوند در قرآن کریم، بارها به آدم یادآوری می کند که همواره به یاد نعمت های الهی باشد و از هرچه استفاده می کند، بداند که نعمت خداست.

«ادْكُرُوا نِعْمَتِي الَّتِي اَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ» یاد نعمت، انسان را به معرفت خدا دعوت می کند و حس شکر گذاری را در درون انسان بر می انگیزد و توجه این نکته انسان را مکلف و مسئولیت پذیر بار می آورد:

آنچه مهم است، درک نعمت است و اینکه انسان با نگرش نعمت به پدیده ها به ویژه کالا و خدمات مصرفی نگاه کند. این نگرش، رنگ معنوی به مصرف می دهد و التزاماتی را برای انسان پدید می آورد. بنابراین، بیان نگرش بر مبنای نعمت به فرآورده های طبیعی، از شاخص های تربیتی اقتصادی است و بدون آن نمی توان در این مبارزه به پیروزی رسید. همه مردم، از هر طیف و صنفی و در هر نهادی که هستند، باید این نگرش را داشته باشند و با دید خدایی به کالاهای اساسی بنگرند و در رفع نیازمندی های خود از آنها بهره برداری کنند؛ چراکه این نگرش، انسان را به شکرگزاری در برابر نعمت های الهی وادار می کند و از اسراف و تبذیر که عملی حرام است، در امان نگه می دارد.

۵-۶- خردمندی در مصرف

عقل و خرد قوه ای در باطن انسان است که خیر و صلاح دنیا و آخرت را تشخیص می دهد و او را از تمایل به خلاف آن باز می دارد به این معنا، عقل، قوی ترین ابزار در تحصیل سعادت و کمال حقیقی است و بدون آن نمی توان به سعادت ابدی دست یافت. علامه طباطبایی در این باره می فرماید: «عقل را بر قوه ای که در انسان است و در سایه آن خیر و شر و حق و باطل را تشخیص می دهد، اطلاق می کند. در حوزه اقتصاد، نقش خردورزی در هزینه سازی و دخل و خرج مالی روشن است؛ چراکه با خردمندی و به کارگیری نیروی حساب گر عقل می توان از آسیب های اقتصادی جلوگیری کرد و به ضرورت های زندگی اهتمام ورزید. اگر تصمیم گیری های انسان بر اساس خردمندی و آینده نگری باشد، فعالیت های اقتصادی به بار می نشیند و از زیان های احتمالی پیش گیری می شود.

قرآن بارها آدمی را به استفاده از نیروی خرد در زندگی فرا خوانده است. خداوند در زمینه مقایسه زندگی دنیا و آخرت، عقل را حاکم قرار داده است که خود انسان با تجزیه و تحلیل به داوری بپردازد تا بفهمد که کدام برتری دارد.

«وَمَا اُولِيْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَمَتَاعِ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ زِينَتِهَا وَ مَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ وَ اَبْقَى اَفَلَا تَعْقِلُونَ»

امام علی علیه السلام نیز در روایتی می فرماید: «العقل اَنْك تَقْتَصِدُ فَلَا تُسْرِفُ وَ تَعِدُ فَلَا تُخْلِفُ وَ اِذَا غَضِبْتَ حَلَمْتَ»

از این گونه آیات و روایات به خوبی برمی آید که به کارگیری خرد در امور مالی و شیوه مصرف کالا و خدمات، بسیار کارساز و اثربخش است. اگر مردم از نیروی باطنی در تعیین مصارف خانواده و جامعه بهره گیرند و با اولویت بندی نیازها، برنامه ریزی درستی داشته باشند، بسیاری از مشکلات اقتصادی، مانند تورم، کمبودها و امثال آن به زودی از بین می رود. بر اثر پیروی از راهنمای عقل، سعادت دنیا و آخرت قابل دست یابی است و می توان هم زندگی مناسب در دنیا فراهم کرد و هم در آخرت روستفید بود.

امام حسن مجتبی علیه السلام در این زمینه می فرماید: «بالعقل تَدْرِكُ الدَّارَانَ جَمِيعاً وَ مِنْ حَرَمٍ مِنَ الْعَقْلِ حَرَمُهُمَا جَمِيعاً»

بنابراین، خردمندی در مصرف از شاخص های مهم اقتصادی است و با استفاده از نیروی عقل در مسیر اعتدال قرار خواهد گرفت؛ چون افراط و تفریط، هر دو برخلاف خردمندی است.

۵-۷- اعتدال در مصرف

همه مردم، اعم از کوچک و بزرگ، زن و مرد، از هر قوم و نژادی و در هر شغل و حرفه یا سمتی، در مصرف کالا و خدمات شریک هستند و کسی نیست که به صورت شبانه روز از امکانات موجود در جامعه بهره مند نباشد. همچنین همه فرآورده های تولیدی و صنعتی مانند مواد انرژی، از قبیل آب، برق و گاز و امثال آن، شبانه روز در دسترس مردم هست و بدون آنها لحظه ای نمی توان زندگی کرد. اگر مردم در هیچ یک از انرژی های مصرفی زیاده روی نکنند، با کاهش مصرف انرژی و ذخیره سازی آنها، نه تنها به خوبی مصرف داخلی تأمین می شود، بلکه مقدار زیادی از انرژی اضافی، صادر و ارز وارد کشور می شود. برعکس، ممکن است زیاده روی و اسراف در مصرف، کشور را فلج کند و مشکلاتی پدید آورد که به آسانی قابل حل نباشد. بر این اساس، اعتدال در امور اقتصادی از شاخص های مهم تربیتی است و باید مردم به آن پای بند باشند و میزان مصرف خود را بر اساس الگوهای تعیین شده تنظیم کنند. امام علی علیه السلام در قانونی کلی نسبت به بیان مرز زیاده روی در مصرف می فرماید: «كُلُّ مَا زَادَ عَلَى الْاِقْتِصَادِ اسْرَافٌ» امام صادق علیه السلام هم در این باره فرمود: «إِعْلَمُ أَنْ لِكُلِّ شَيْءٍ حَدًّا، فَإِنْ جَاوَزَهُ كَانَ سِرْفًا» بنابراین، هر چیزی که مستقیم یا غیرمستقیم از آن استفاده می شود، از نظر عقلی، شرعی یا عرفی، دارای حد و اندازه معین است و هرگاه از آن حد بگذرد، زیاده روی و حرام سازگاری ندارد زندگی بی آرایش، شایسته اهل ایمان است؛ چراکه مؤمن با وجود اینکه از نعمت های الهی بهره مند است، کم خرج و سبک هزینه است و نگرش نعمت گرایانه به امکانات دارد و به خود اجازه نمی دهد تصبیح نعمت کند.

۵-۸- ساده زیستی

از دیگر شاخص های تربیتی در حوزه مصرف اقتصادی، ساده زیستی و دوری از تجمل گرایی است که شیوه بزرگان دین بوده و هست. ساده زیستیدر مقابل تجمل گرایی به معنای زندگی ساده و بی آرایش و پیراسته از زرق و برق زیاد و اسباب و لوازم غیرضروری است. ساده زیستی چیزی خاص تر از اعتدال و میانه روی است و حتی انسان های بزرگ و پیشرو مردم، از سطح متوسط جامعه نیز پایین تر زندگی می کنند. بدین معنا که در عین بهره مند بودن از امکانات رفاهی و اسباب زینت و زیبایی، به کمتر از حد معمول جامعه بسنده می کنند. چنان که این مطلب در زندگی شخص رسول خدا صلی الله علیه و آله و امام علی علیه السلام و دیگر امامان معصوم علیهم السلام و حتی پیروان آنها، مانند امام خمینی رحمه الله و بسیاری از بزرگان دین، به خوبی مشاهده می شود و رفتار آن بزرگواران در این زمینه، الگویی برای ادامه دهندگان مسیر آنان است. امام صادق علیه السلام درباره ساده زیستی می فرماید: «الْمُؤْمِنُ حَسَنُ الْمَعُونَةِ، خَفِيفُ الْمَثْوَةِ، جِدُّ التَّدْبِيرِ لِمَعِيشَتِهِ.» چنان که سیره امام علی علیه السلام و حضرت زهرا علیها السلام، نمونه عینی ساده زیستی ائمه اطهار علیهم السلام را به ما نشان می دهد. حضرت زهرا علیها السلام با آن مقام و عظمتی که نزد خدا و پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله داشت، همانند بانویی عادی، در سطح متوسط و حتی پایین تر از آن، همگام با فقرای مدینه زندگی می کرد. او نه تنها از انجام کارهای منزل شانه خالی نمی کرد، بلکه به عنوان زنی خانه دار، نقش های خانه داری، همسرداری و مادری را به خوبی ایفا می کرد.

نقطه مقابل ساده زیستی، تجمل گرایی و دنیاخواهی است که امام معصوم علیه السلام و بزرگان دین از آن دوری کرده اند. رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود:

«إِنَّ الدِّينَارَ وَالدَّرْهَمَ أَهْلَكَمَا مَنْ كَانَ قَبْلَكَمَا وَهُمَا مَهْلِكََاكُمَا»

امام علی علیه السلام فرمود:

«إِنَّ فِي طَلْبِ الدُّنْيَا اضْرَارًا بِالْآخِرَةِ وَفِي طَلْبِ الْآخِرَةِ اضْرَارًا بِالْدُّنْيَا فَاضْرَارُ الْوَالِي بِالْاضْرَارِ»

در شرایط کنونی، همه مسلمانان و رهروان اهل بیت علیهم السلام باید با پیروی از این شاخص ساده زیستی به جهاد اقتصادی بپردازند و از اسراف، تجمل و زیاده روی، دوری و به زندگی ساده، قناعت کنند. بنابراین، ساده زیستی مهم ترین شاخص تربیتی جهاد اقتصادی است که با آن می توان به رشد مادی و معنوی رسید و بر دشمنان اسلام پیروز شد.

حفظ استقلال به واسطه مصرف کالاهای داخلی

یکی از مسئولیت های مهم در زمینه اقتصاد که متوجه مردم است، استفاده از کالاهای داخلی است. این کار علاوه بر آنکه سبب حمایت از کار و تولید و انباشت سرمایه می شود، از نظر فرهنگی و سیاسی و اجتماعی، سبب تقویت خودباوری و حفظ استقلال و اقتدار حاکمیت اسلامی می گردد.

مصرف کالاهای داخلی، سبب رونق اشتغال و توسعه تولید می شود و تولیدکنندگان را به این باور می رساند که بدون کمک بیگانگان می توانند نیازهای جامعه اسلامی را برطرف کنند. احساس خودباوری آنها، در راستای تهیه و تأمین کالاهای مورد نیاز جامعه، سبب نوآوری و ابتکار می شود و چون اطمینان به حمایت مردم دارند، از درگیر شدن با مشکلات بزرگ، هیچ

گونه هراسی به دل راه نمی دهند و در نهایت، زمینه پیشرفت های بزرگ اقتصادی را فراهم می سازند. همچنین پای بندی به استفاده از تولیدات داخلی، زمینه هرگونه نفوذ دشمنان در عرصه های فرهنگ و اقتصاد و نظام سیاسی را از بین می برد. در آموزه های اسلامی به مسئله پرهیز از استفاده کالاهای بیگانگان توجه بسیاری شده است.

امام علی علیه السلام می فرماید: «اَحْتَجَّ لِمَنْ شَتَّ تَكُنْ اَسْبِرَهُ، اسْتَعْنِ عَمَنْ شَتَّ تَكُنْ نَظِيرَهُ»

بهره مندی از محصولات بیگانگان، به ویژه در زمینه نیازهای اساسی، یکی از مصادیق برجسته دست دراز کردن به سوی دیگران است. افزون بر این، داشتن پیوند تجاری گسترده در زمینه نیازهای اساسی، کم کم سبب برقراری روابط دوستانه با بیگانگان می شود که در نهایت، این دوستی، اعتماد و رکون به دشمنان را در پی می آورد که قرآن کریم به شدت با این گونه کارها مخالفت کرده به مؤمنان دستور داده است: «لَا تَتَّخِذُوا الْكَافِرِينَ اَوْلِيَاءَ»

امام صادق علیه السلام می فرماید: «...لا تزال هذه الأمة بخير ما لم يلبسوا لباس العجم و يطعموا اطعمه العجم فإذا فعلوا ذلك ضربهم الله بالذل»

منظور از این تعبیر که خداوند آنها را به خواری گرفتار می سازد، یعنی اقتصادی استفاده از محصولات بیگانگان، گرفتاری به ذلت و خواری است. بنابراین مصرف کالاها و تولیدات داخلی یکی از ضروری ترین بایسته های حماسه آفرینی مردم در عرصه اقتصاد می باشد

۶- نتیجه گیری

از دیدگاه اسلام، اقتصاد و رفتارهای اقتصادی به طور کلی تحت تاثیر باورهای ارزشی، تربیتی و اخلاقی است و بر این براساس تمام برنامه ها و رفتارهای اقتصادی انسان مسلمان باید با هدف تهذیب و تزکیه نفس انجام گیرد، بدون شک رفتارهای اقتصادی مطلوب در پاکسازی روحی و اخلاقی نقش بسزایی دارد، از این رو در اسلام، تولید، توزیع و مصرف به تنهایی هدف نیست. با توجه به محتوای این پژوهش پی می بریم که از نظر شناختی در حوزه تولید، توزیع و مصرف، شاخص هایی وجود دارد که عموم مردم به ویژه فعالان اقتصادی باید آن شاخص ها را بشناسند و بر اساس آنها رفتار کنند. وجه مشترک این شاخص ها، در شناختی بودن آنهاست که به مجاهدان اقتصادی بینشی اعطا می کند و از نظر باور، سطح آگاهی و تعهد آنان را به عقاید دینی در حوزه اقتصاد افزایش می دهند. قطعاً رشد باورها در رفتار نیز تاثیر دارد و اگر این شناخت ها درجهادگران نهادینه شود، رفتار مطلوبی برای رفع نیازهای مادی و معنوی جامعه خواهند داشت. بنابراین اگر تولید با عدالت و قرب خداوند تنافی داشته باشد موجب تکاثر ثروت و حرص و طمع تولید کننده می شود و این مسئله در اسلام به شدت مورد مذمت قرار گرفته است و همچنین انسان تربیت شده مکتب قرآن تولید، توزیع و مصرف را عبادت شمرده و خود را خلیفه خداوند و امانت دار او در حوزه اقتصادی می داند. تولید، توزیع و مصرف درآمد و ثروت در نظام اقتصادی اسلام براساس معیار کار و تلاش، توجه به ارزشهای اسلامی، تامین عدالت و تزکیه نفس همراه است. زیرا دین مبین اسلام از یک سو توصیه به استفاده از مواهب و نعمت های خدادادی و از سوی دیگر با تحریم اسراف و اتلاف ثروت و تشویق روحیه قناعت در بین مردم از هدر رفتن منابع جلوگیری می کند. اعطای بینش و تصحیح باور در زمینه اقتصاد کاری اساسی و اثرگذار در روند فرآیند اقتصاد است و اگر این مرحله درست شود، بسیاری از مشکلات موجود در حوزه اقتصاد از بین می رود یا کاهش می یابد؛ چراکه توحیدمحوری، باور به مالکیت و ربوبیت خدا و امثال آن که از شاخص های مهم تربیت اقتصادی است _ رنگ خدایی به فعالیت های اقتصادی می بخشد.

۶-۱- راهکار

به نظر می رسد روش قابل اطمینان این است که گروهی از کارشناسان اقتصادی و اجتماعی، آسیب های چرخه اقتصادی را در سه مرحله، تولید و مصرف به ویژه توزیع، به صورت علمی بررسی کنند و به دست اندرکاران اقتصادی گزارش دهند. گزارش های کارگروه علمی در این زمینه هم علمی و دقیق و راه گشا و هم مورد اعتماد و اطمینان بخش خواهد بود. اگر این کارگروه از درون جهادگران اقتصادی تشکیل شود، به دلیل آشنایی کامل با فرآیند تولید و توزیع و مصرف و نیازهای جامعه، مفیدتر و کارسازتر خواهد بود.

از طرفی صدا و سیما باید به تقویت این شاخص ها از هر راه ممکن بپردازد و بینش، گرایش و کنش اقتصاد دانان، برنامه ریزان اقتصادی و فعالان عرصه اقتصاد را اسلامی و توحیدی سازد. برنامه سازان، مدیران، مجریان و دست اندرکاران صدا و سیما باید اول خود به این شاخص ها که برآمده از آیات و روایات است، باور داشته باشند. آن گاه با روش های مناسب، آن را پرورش دهند

منابع

۱. قرآن کریم
۲. نهج البلاغه
۳. امینی، ابراهیم، اسلام و تعلیم و تربیت، چ سوم، قم، موسسه بوستان کتاب ۱۳۸۷
۴. اسحاقی، حسن، مبانی و راهبردهای جهاد اقتصادی، چ اول، قم، مرکز نشر هاجر، ۱۳۹۰
۵. _____، نقشه راه، در جهاد اقتصادی، قم، انتشارات خادم الرضا، چ، ۱۳۹۰
۶. _____، باید ها و نبایدهای مصرف، انتشارات عقل، قم، چ اول، ۱۳۸۸
۷. احسانی، محمد، شاخص های تربیتی جهاد اقتصادی از منظر قرآن، قم، صداوسیما جمهوری اسلامی ایران، مرکز پژوهشهای اسلامی، چ اول، ۱۳۹۰
۸. ایروانی، جواد، اخلاق اقتصادی از دیدگاه قرآن و حدیث، مشهد، انتشارات دانشگاه علوم اسلامی رضوی، چ اول، ۱۳۸۴
۹. بیات، اسدالله، نظام اقتصادی اسلام، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، چ اول، ۱۳۶۹
۱۰. پژوهش گاه حوزه و دانشگاه، درآمدی بر اقتصاد اسلامی، چ ۹، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۹۳
۱۱. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، ج ۲، ۶، ۱۲، ۱۷، ۲۱، چاپ سوم، بیروت، لبنان، مدرسه آل البیت الاحیاء التراث، ۱۴۲۴هـ، ۲۰۰۸م
۱۲. حکیمی، محمد رضا، ترجمه الحیاه، ج ۴، مترجم احمد آرام، قم، دلیل ما، ۱۳۸۳
۱۳. دیباجی، احمد، فرهنگ تولید و مصرف در اسلام از دیدگاه آیات و روایات، چ اول، قم، نشر آرام، ۱۳۸۹
۱۴. دفتر تبلیغات اسلامی، پدیده شناسی فقر و توسعه، بی تا، قم، انتشارات ققنوس، ۱۳۸۳
۱۵. دفتر تبلیغات اسلامی شعبه خراسان رضوی، خمس، چالش ها و راهکارها، چ اول، قم، موسسه بوستان کتاب، ۱۳۸۶
۱۶. درافشان، محمد حسین، حماسه سیاسی حماسه اقتصادی از منظر آیات و روایات، چ اول، قم، مرکز پژوهش های اسلامی، ۱۳۹۲
۱۷. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ترجمه فرهنگ قرآنی راغب، مترجم، جهانگیر ولدییگی، چ اول، سنندج، انتشارات آراس، ۱۳۸۹
۱۸. رحیمی نیا، مصطفی، ترجمه المنجد، ج ۱ و ۲، چ اول، تهران، انتشارا صبا، ۱۳۹۳
۱۹. سیدنژاد، صادق، سیدنژاد رضی، تولید ملی کاروسرمایه از منظر آموزه های دینی، چ اول قم، صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران. مرکز پژوهش های اسلامی، ۱۳۹۱
۲۰. شیخانی، علی باقر، حسین، اسحاقی، چ اول، قم، مرکز نشر هاجر، ۱۳۹۴
۲۱. طباطبایی، محمد حسین، ترجمه تفسیر المیزان، مترجم محمد باقر موسوی همدانی ج ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۱۹، ۲۹، ۱۴، چ بیست و هشتم، قم، انتشارات دفتر انتشارات وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۸۸
۲۲. طبرسی، ابولفضل، ترجمه مجمع البیان، مترجم، علی کرمی، ج ۱، ۲، ۳، ۴، ۷، ۹، ۱۶، ۱۸، ۹، چ اول، تهران، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۰
۲۳. طبرسی، حسین بن فضل، مکارم الاخلاق، چ اول، قم، انتشارات دارالحییب، ۱۳۸۶
۲۴. علوی، محمدحسن، ربا و راههای گریز از آن، چ اول، قم، مرکز پژوهشهای اسلامی، صداوسیما، ۱۳۸۲
۲۵. علوی، محمدحسن، ربا و راه های گریز از آن، چ اول، قم، مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما، ۱۳۸۲
۲۶. عمید، حسن، فرهنگ عمید، چ دوم، تهران، انتشارات جاوید علمی، ۱۳۴۵
۲۷. فراهانی فرد، سعید، سیاستهای اقتصادی در اسلام، بی تا، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۵
۲۸. قرشی، علی اکبر، قاموس قرآن، ج ۳، چ یازدهم، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۸
۲۹. قرائتی، محسن، تفسیر نور، ج ۱۲، چ سوم، تهران، مرکز فرهنگی درسهایی از قرآن، ۱۳۸۶
۳۰. کرمی، محمد مهدی، مبانی فقهی اقتصاد اسلامی، چ اول، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۰
۳۱. کلینی رازی، محمد بن یعقوب، ترجمه اصول کافی، ج ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، چاپ سوم، مترجم حسن استاد ولی، قم، انتشارات دارالعلم، ۱۳۹۲
۳۲. کامرانیان، عباسعلی، اقتصاد در قرآن، چ اول، قم، مجنون، ۱۳۸۳
۳۳. لیراوی و همکاران، صادق، مبانی الزامات و موانع جهاد اقتصادی، چ اول، قم، مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما، انتشارات زلال کوثر، ۱۳۹۰
۳۴. معین، محمد، فرهنگ فارسی معین، چ دوم، تهران، انتشارات نهال نویدان، ۱۳۸۷
۳۵. موسوی خمینی، روح الله، صحیفه امام، ج ۴، چ چهارم، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی ره، ۱۳۷۸
۳۶. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۱۳۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۲۱، ۲۶، ۲۹، چ ۲۵، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۶
۳۷. _____، اخلاق در قرآن، ج ۲، چ اول، قم، مدرسه الامام علی بن ابیطالب، ۱۳۷۸

۳۸. مغنیه، محمد جواد، مغنیه، ترجمه تفسیر کاشف، مترجم موسی دانش، ج ۱، ۳، ۴، ۵، چ دوم، قم، موسسه بوستان کتاب، ۱۳۸۳
۳۹. مطهری، مرتضی، حق و باطل، چ سزدهم، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۷۲
۴۰. ۳۸ - _____، بیست گفتار، چاپ سی یکم، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۸۸
۴۱. میری معزی، حسن، نظام اقتصادی اسلام مبانی مکتبی، تهران، موسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، ۱۳۸۰
۴۲. موسسه امام هادی، آرامش بهشتی در پرتو اصلاح الگوی مصرف، چ اول، موسسه امام هادی، قم، ۱۳۸۹
۴۳. مصباح یزدی، محمدتقی، رستگاران، چ سوم، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۸
۴۴. نراقی، ملاحمد، معراج السعاده، چاپ پنجم، قم، ناشرهجرت، ۱۳۷۷
۴۵. هادوی تهرانی، مهدی، مکتب و نظام اقتصادی اسلام، چ اول، قم، موسسه فرهنگی خانه خرد، ۱۳۷۸
۴۶. هاشمی رفسنجانی، اکبر، تفسیر راهنما، ج ۹، ۱۱، چ دوم، قم، موسسه بوستان کتاب، ۱۳۸۶
۴۷. فراهانی فرد، سعید، مقاله کارکرد اقتصادی دین اسلام توزیع ثروت و درآمد، فصلنامه علمی پژوهشی قیسات در حوزه فلسفه دین و کلام جدید، تاریخ دریافت ۹۶/۲/۲۵
۴۸. هادی منش، ابوالفضل، ماهنامه شمیم یاس، صاحب امتیاز مرکز مدیریت حوزه های علمیه خاوهران، سال دهم، شماره، ۱۳۹۰، ۱۰۷
۴۹. لشکری، محمد، پارسا، زکیه مهر، فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی، سال ششم، ۱۳۹۳، مقاله بررسی رابطه ایمان به خدا بر رفتار مصرف کننده.

